



The Dialectic of Place and self, and its Reflection in the Structure of Al-Shattat Narrative by Rafat Hamdoneh

Isa Zare Dorniani ¹
(129-148)

Abstract

The element of a significant place of residence. Elements of The element of place is one of the most important elements of the narrative, which has various forms. This element has a dialectic in some narrations, including the narration of the Palestinian captives, and its effect on other narrative structures is obvious. One of these narratives is the narration of Al-Shattat by Rafat Hamdoneh, a contemporary Palestinian writer who cries out about the plight of prisoners in Israeli prisons and their dire social conditions. What makes this narrative unique is the character of Rafat Hamdoneh, who was himself a prisoner, understood prison and was able to portray it in a desirable way. In narration, there is a kind of dialectic between place and self that affects the structural elements of the narrative and plays an important role in shaping the structure of the narrative. Therefore, in this research, an attempt has been made to study the dialectic of place and self, and its effect on the narrative structures of "Al-Shattat" by Hamdoneh, by descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that the description of the place in the narration of "Al-Shattat" is the expression of experience, sufferings, problems of the narrator and the characters who lived in the forced place (prison) and in open places (war). This dialectic runs from the beginning of time to the end of the narrative and has created a kind of retrospective and futuristic timelessness and has influenced the personalities of the narrative.

Keywords: dialectic of place and self, Narrative structure, Al-Shattat novel, Rafat Hamdon

Received: 22, April, 2021; Accepted: 21, August, 2022

doi: 10.22059/jalit.2022.322468.612381
Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627
<http://jalit.ut.ac.ir>

1. Corresponding author: zaredorniani@pnu.ac.ir
Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payam-e-noor University,
Tehran, Iran.

دیالکتیک مکان و خود و اثر آن در ساختار رمان «الشتات» رأفت حمدونه

عیسی زارع درنیانی^۱

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

علمی - پژوهشی

چکیده

عنصر مکان به عنوان مهم‌ترین عنصر رمان، دارای اشکال گوناگونی است. این عنصر، در بعضی رمان‌ها از جمله رمان اسیران فلسطینی، دیالکتیک با خود دارد و اثر آن بر ساختارهای روایی دیگر نمایان است. از جمله این رمان‌ها می‌توان رمان «الشتات» رأفت حمدونه، نویسنده معاصر فلسطینی را نام برد که اوضاع نابسامان اسیران در زندان‌های اسرائیلی و روزگار وخیم اجتماعی خود را فریاد می‌زند. آنچه این رمان را منحصر به فرد می‌کند شخصیت رأفت حمدونه است که خود اسیر بوده، زندان را درک کرده و توانسته به شکل مطلوب، آن را به تصویر بکشد. در رمان، نوعی دیالکتیک بین مکان و خود وجود دارد که بر عناصر ساختاری رمان تأثیر می‌گذارد و در شکل‌گیری ساختار رمان، نقش مهمی دارد. از این رو در این پژوهش، سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی، دیالکتیک مکان و خود، و اثر آن بر ساختارهای رمان «الشتات» رأفت حمدونه بررسی شود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که توصیف مکان در رمان «الشتات»، بیان تجربه، رنج‌ها، مشکلات راوی و شخصیت‌هایی است که در مکان بسته (زندان) و در مکان‌های باز (جنگ و...) به سر می‌برند. نویسنده و شخصیت‌ها در رمان، پیوسته در حال کشمکش و دیالکتیک با خود هستند که علائم آن بر زبان راوی و زبان رمان نمایان است. این دیالکتیک از آغاز زمانی تا پایان زمانی رمان در جریان است و نوعی زمان‌پریشی گذشته‌نگر و آینده‌نگر ایجاد کرده و بر شخصیت‌های رمان تأثیر گذاشته است.

واژه‌های کلیدی: دیالکتیک مکان و خود، ساختار روایی، الشتات، رأفت حمدونه.

۱. مقدمه

اشغال فلسطین و تبعید مردمان آن توسط اسرائیل، باعث تدوین آثاری توسط ادیبان فلسطین شد که متأثر از وجدان مردم بود. از جمله این آثار، رمان‌هایی هستند با درون‌مایه مقاومت که از وطن، سرزمین بر باد رفته، شهادت مردم بی‌گناه، زندان، تبعید و شکنجه سخن می‌گویند. این رمان‌ها، ریشه در واقعیت دارند چراکه ادیبان، رمان خود را با گوشت و پوست خود تجربه کرده‌اند و مشکلات مردم فلسطین را ارائه نموده‌اند. از جمله این ادیبان، رأفت حمدونه، رمان‌نویس اسیر فلسطینی است. رأفت حمدونه، رمان‌نویس فلسطینی (متولد سال ۱۹۷۰ میلادی) از اردوگاه جبالیا غزه است که در سال ۱۹۹۰ میلادی به علت مبارزه با رژیم اسرائیل، بازداشت شد. به مدت پانزده سال در اسرائیل زندان بود. ایشان کارشناس مطالعات منطقه‌ای و مطالعات اسرائیلی، مدیرکل امور زندانیان بوده و در اتحادیه بین‌المللی روزنامه‌نگاران و کمیته زندانیان نیروهای ملی و اسلامی، عضویت داشته است. دکترای علوم سیاسی خود را از مؤسسه تحقیقات و مطالعات عرب مصر اخذ کرده است. رأفت حمدونه، رمان‌های گوناگونی در خصوص اسارت دارد. از جمله رمان‌های ایشان، می‌توان «نجوم فوق الجبین» (۱۹۹۴م)، «عاشق من حنین» (۱۹۹۴م)، «الشتات»

(۲۰۰۴م)، «قلبی و المخبیم» (۱۹۹۸م)، «مابین السجن والمنفی حتی الشهادة» (۲۰۰۳م)، «لن يموت الحلم» (۲۰۰۰م)، «صرخة من أعماق الذاكرة» (۲۰۰۲م) را نام برد. رأفت حمدونه از ادیبان معاصر عرب است که به ادبیات اسارت و زندانی پرداخته است و این نوع ادبیات را جزئی از ادبیات جهانی می‌داند که به مقاومت، آزادی، عزت نفس و مبارزه با استکبار، پرداخته است (حمدونه، ۲۰۱۵: ۹۰). به مانند دیگر ادیبان، همه‌ی کشورهای عربی را به انقلاب و مقاومت علیه اسرائیل فرامی‌خواند و به اتحاد کشورهای عربی برای آزادی فلسطین تأکید می‌کند (ملاابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). موضوع اصلی رمان‌های رأفت حمدونه، مقاومت و آزادی در مقابل اشغالگران است. از جمله رمان‌های ایشان، رمان الشتات؛ عشق، مقاومت، زندان و آزادی است که در سال ۲۰۰۴ میلادی در زندان «نفخة الصحراوی» با حجم ۹۰ صفحه، نگاشته است. رمان الشتات، بازتاب اسارت، جنگ، آوارگی، عشق، آزادی و شرایط وخیم زندگی مردم است که در اسارت و مکان دشوار آکنده از درد و رنج نگاشته شده است. مکانی که شخصیت‌ها و حوادث در آن با زمان، پیوند خورده‌اند و در دنیای ظلم و ستم، زندان و زندانیان، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. بر وضعیت روانی افرادی که واقعیت خاصی بر آن‌ها تحمیل شده- از جمله رأفت حمدونه- تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود فرد، تصویری از خودش ایجاد کند و یا اینکه مجموعه‌ای از ایده‌ها، احساسات و اعتقاداتی در مورد خود شکل دهد و بر دیگر شخصیت‌ها، تأثیر بگذارد. از این رو، نوعی دیالکتیک بین مکان و خود ایجاد می‌کند که در رمان اسارت از جمله رمان الشتات، نمود می‌یابد و تأثیر آن تا حدی است که پس از آزادی اسیر از زندان هم ادامه دارد. لذا این رمان در نوع خود بی‌نظیر است. تاکنون هیچ پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته و بر ضرورت انجام این پژوهش انجامیده است.

۱.۱. سؤال‌های پژوهش

- دیالکتیک مکان و خود، و اثر آن بر زبان در رمان الشتات چگونه است؟
- دیالکتیک مکان و خود، و پیامد آن در زمان رمان الشتات چگونه است؟
- دیالکتیک مکان و خود، و اثر آن بر شخصیت‌های رمان الشتات و بازتاب آن در خودآگاهی چگونه است؟

۲.۱. روش پژوهش

در این جستار با روش توصیفی- تحلیلی، دیالکتیک مکان و خود در رمان الشتات رأفت حمدونه و اثر آن بر عناصر ساختاری از جمله زبان، زمان و شخصیت‌ها بررسی شده است.

۳.۱. پیشینه پژوهش

- جمیلة عماد النثشه (۲۰۱۶م): «دلالات المكان فی رمان سجن السجین لعصمت منصور»، عمان، مجلة الجامعة الاسلامية للبحوث الانسانية، العدد الرابع و العشرون: ابتدا به نشانه‌شناسی عنوان و ترسیم مکان سپس به دیالکتیک مکان و شخصیت پرداخته است. تأثیر زندان بر شخصیت‌ها و انعکاس آن بر آگاهی فرد بررسی شده است.

-عبله ثابت (۲۰۱۵م): «دلالة المكان في رواية الأسر الفلسطينية روايتا ستائر العتمة وفرسان الحرية أنموذجاً» مجلة جامعة الأزهر، سلسلة العلوم الانسانية، العدد السابع عشر: به اهمیت مکان در تولید معنی و زیبایی‌شناسی متن، اسامی مکان‌ها، تقسیم مکان به باز و بسته پرداخته است. نشانه‌شناسی مکان در ادبیات اسیران و نزاع بین وجود و عدم در رمان را بررسی کرده است.

- مریم اکبری و محمد خاقانی (۲۰۱۲م): «دلالة المكان في رواية موسم الهجرة إلى الشمال»، إضاءات نقدية، العدد السابع: به توصیف مکان‌ها- خانه، اتاق و روستا- در رمان پرداخته است موضوعاتی به مانند دو قطبی بودن مکان، دلالت‌های ایدئولوژی و روان‌شناختی رنگ‌ها، اصوات، حس‌ها و بوها را بررسی کرده است.

- صلاح‌الدین عبدی و همکاران (۱۳۹۳ش): «بازتاب عنصر مکان در ادبیات زندان، مطالعه مورد پژوهانه (ورق پاره‌های زندان بزرگ علوی و یومیات الواحات صنع الله ابراهیم)»، کاوش نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۱۴: به انگیزه‌های این دو نویسنده در حوزه ادبیات زندان، نحوه به کارگیری انواع مکان و تأثیر مکان بر دو رمان پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که علوی، مکان باز و ابراهیم، مکان بسته را در رمان‌های خود به کار گرفته‌اند. این پژوهش در نوع خود، جدید است و تاکنون درباره رمان «الشتات» رأفت حمدونه پژوهشی انجام نشده است.

۲. خلاصه رمان الشتات

رمان الشتات یکی از چهار رمان ملی رأفت حمدونه است که دارای مضامین مقاومت، عشق و آزادی است. گوشه‌ای از تاریخ مبارزات فلسطینی را به زیبایی ترسیم می‌کند که حوادث آن شکل واقع‌گرایانه به خود گرفته است.

نصر هنگامی که به نقشه وطنش نگاه می‌کرد اشک می‌ریخت. به مانند دیگران، رؤیای آزادی، استقلال و حاکمیت داشت. به زادگاهش قدس عشق می‌ورزید و هنگامی که مادرش او را به دلیل ترس از کشته شدن، مجبور به ترک وطن کرد ابتدا احساس گناه کرد و در نهایت پذیرفت که با خانواده به اردوگاه وحدات اردن برود. در آنجا با دختر فلسطینی به نام لطیفه آشنا شد سپس ازدواج کرد. هنگامی که فداکاری مبارزان فلسطینی را دید مادرش را قانع کرد و به مقاومت پیوست. چند مدتی نگذشته بود که از لطیفه، دختری به نام انتصار متولد شد. بعد از مدتی در قدس هم با زنی به نام نعمه ازدواج کرد که حاصل ازدواج، فرزندی به نام رفیق شد و آنجا، روزگار خود را با مقاومت، سپری نمود. نصر دوستی به نام ابراهیم داشت و ابراهیم هم زنی به نام حاجیه محبوبه که آن دو را کمک می‌کرد. رفیق پسر نصر مریض شد و ایشان با دوستش ابراهیم به بیمارستان برای مساعدت رفتند اما در آنجا لو رفتند و درگیری ایجاد شد. ابراهیم، نصر و مادر رفیق، یکی پس از دیگری شهید شدند. رفیق یتیم رها شد. مادر نصر هم بعد از شنیدن خبر، طاقت نیاورد و جان داد. حاجیه محبوبه، با وجود اینکه پسری دیگر به نام محمد داشت رفیق را به فرزندی پذیرفت. حاجیه محبوبه، هر دو را با نیکویی تربیت کرد هر دو در خرج و مخارج، به مادرشان کمک می‌کردند و مادرشان مریض شد و رفیق به جای مادرش در مزرعه کار کرد

محمد هم با اصرار رفیق به درس خود ادامه داد و در رشته پزشکی در یکی از دانشگاه‌های اردن پذیرفته شد. در این هنگام بود که انتفاضه شروع شده بود و رفیق به انتفاضه پیوست. در روزی از روزها، رفیق، هنگامی که کار می‌کرد ماشینی به او زد بعد از ساعتی، راننده مقصر ماشین را بخشید. راننده (ابویوسف)، پسری نداشت و از رفیق خواست که در انبارش مشغول به کار شود و رفیق هم قبول کرد. فنون تجارت را آموخت. وضعیت مالی ایشان خوب شد و به هر جوانی که می‌خواست با اسرائیل مبارزه کند کمک می‌کرد اما بعد از مدتی، محل کار و خانه‌اش لو رفت و متواری شد. در نهایت توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر و زندانی شد. در آن‌جا با مبارزان فلسطینی، دیدار کرد. در بین آن مبارزان، جاسوسان اسرائیلی هم بودند از جمله ابوعنان که با رفیق درگیر شد به همین خاطر زیر شکنجه نیروهای اسرائیلی قرار گرفت و او را به زندان مرکزی منتقل کردند. حکم شش سال حبس برای رفیق صادر شد. رفیق آنجا درس خواند و بعد از سپری نمودن مدت حبس، آزاد شد. انتصار که پزشک شده بود از محمد خواست که پرونده مداوای رفیق را بررسی کنند تا اینکه رفیق بعد از ماجرای در بیمارستان توسط انتصار معاینه شد و بین آن دو، صحبت‌هایی صورت گرفت و فهمیدند که خواهر و برادر هم، فرزندان شهید نصر عسقلانی هستند. هردو به خانه نزد مادرشان رفتند. مادر و محمد از این اتفاق بسیار خوشحال شدند. محمد که درباره عشقش به انتصار با مادرش صحبت کرده بود با انتصار ازدواج کرد.

به‌طور کلی، عناصر این رمان عبارت‌اند از: طرح (زندگی در اسارت و مقاومت تا آزادی و شهادت)، مکان (زندان‌های اسرائیلی و فلسطین)، زمان (دوره معاصر فاصله بین اسارت نویسنده ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ میلادی)، زبان (توصیفی، محاوره‌ای، شعر روایی و مستند روایی)، زاویه دید (اول شخص و سوم شخص) قهرمان (رفیق)، شخصیت‌ها (رفیق، محمد، انتصار و...)، کشمکش (درگیری بین شخصیت‌های مبارز فلسطینی و مزدوران و رژیم صهیونیستی)، گفتگو (مونولوگ و دیالوگ) و درون‌مایه (مقاومت، آزادی و ظلم‌ستیزی).

۳. دیالکتیک مکان و خود در رمان

رمان، سخن یا خبری است از یک واقعیت حقیقی و خیالی از طرف یک رمان‌نویس در مکانی خاص (برنس، ۲۰۰۳: ۱۴۵). رمان، مبتنی بر داستانی است که حوادث گوناگون را با روشی خاص، بیان می‌کند (لحمدانی، ۱۹۹۱: ۴۵).

مکان آن سطح مادی، محسوس یا خیالی است که ابعاد آن با حواس یا با فکر، قابل درک است و وقایع آن با زبان در محدوده زمانی بیان می‌شود. مکان بخش محوری ساختار رمان است و هیچ رویدادی خارج از مکان وجود ندارد و این مکان نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت‌ها، سلیقه‌ها و رفتارها دارد. گویا مکان به رمان ارزش هنری و معنایی می‌بخشد. بینش ساکنان، آیین‌ها، آداب و رسوم اجتماعی را آشکار و به رویدادهای تاریخی کمک می‌کند (بوعزه، ۲۰۱۰: ۹۹).

ذات یا خود مجموعه‌ای از افکار، احساسات و باورهایی است که یک فرد در مورد خود دارد (سیف، ۲۰۱۸: ۱۳).

در متن رمان، میان مکان و خود، پیوندی دیالکتیک است از یک‌سو، مکان از عناصر و مؤلفه‌های اساسی در خود فهمی و شکل‌گیری آگاهی در رمان تشکیل شده است و مفهوم خود را از طریق خود به دست می‌آورد و از سوی دیگر، خود، بینش و نگرش خود را از طریق مکان و ارتباط با آن بیان می‌کند. عملیات رمان دارای سه رکن است: رمان‌نویس، رمان، خواننده (خلیل، ۲۰۱۰: ۲۸). در برخی از رمان‌ها، رمان‌نویس خودش را یکی از افراد قرار می‌دهد و از همه چیز آگاه است و خود در مکانی رمان می‌نویسد که شناخت کاملی دارد. گویا متن رمان، دیالکتیکی بین مکان و خود است از جمله این رمان‌ها، رمان بسیاری از اسیران در زندان‌های اسرائیل است. آنها که با تجربه‌ای که از فضای درد، رنج و طعم اسارت چشیده‌اند توانسته‌اند لحظه‌های سخت خود را تثبیت کنند و به جنبه‌های مختلفی از عناصر ساختاری رمان بپردازند که عنصر مکان به دلیل حوادث جاری در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۷). رأفت حمدونه از جمله این اسیران راوی است که حدود پانزده سال در زندان‌های اسرائیلی به سر برده است و رمان الشتات را در زندان می‌نویسد. از آنجا که در زندان، ترس سخن‌چینی مزدوران وجود داشت آنچه در اندیشه و دل وی ظهور می‌کرد را نمی‌توانست بر ملا کند به نحوی، گویا احساس تنهایی می‌کرد و وجدانش با آن مکان در جدال و دیالکتیک بود. این دیالکتیک بر زبان رمان‌نویس، رمان، زمان و شخصیت‌های رمان تأثیر گذاشته و بازتابی در خودآگاهی داشته است.

۳.۱. دیالکتیک مکان و خود و اثر آن بر زبان راوی الشتات

زبان، وسیله ایجاد فکر و تعبیر رمان است. تحت تأثیر ذات (خود) و محرک قرار می‌گیرد و رویداد را در مکان ایجاد می‌کند (عزیز، ۱۹۹۸: ۳۲). تأثیر گفتار در رمان بر اساس ویژگی‌های فردی راوی است که مکان بر او تأثیر می‌گذارد. بر پژوهشگر واجب است که آن را شناسایی کند و از رموز مکان و انعکاس‌های روحی و روانی آن در متن رمان و تأثیر آن بر زبان راوی، پرده بردارد (تاورته، ۲۰۰۴: ۵۲). رمان از راوی ادیب و اسیر که خود درد و رنج اسارت را کشیده و تجربه‌های فراوانی در این زمینه دارد بسیار متأثر می‌شود. راوی رمان الشتات هم این ویژگی را دارد. مکان بر زبان راوی تأثیر گذاشته است آنجا که می‌گوید: «تنقل رفیق من سریر (برش) إلى آخر وسمع من أصحابها بطولاتهم وآلامهم...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۶۱).

(رفیق از تختی به تخت دیگر جابجا شد و از همراهانش، قهرمانی‌ها، دردها و آرزوها را شنید...).

درهم آمیختگی زبان عربی و عبری همراه با زندگی در زندان‌های اسرائیلی به وضوح در بیان ادیبان اسیر یافت می‌شود (براده، ۲۰۱۱: ۵۴). در این رمان بر زبان راوی، کلمه عبری (برش) جاری شده، آن هم به خاطر مکانی که در آنجا زندانی بوده است. گویا آن مکان بر خود راوی فلسطینی و زبان عربی تأثیر گذاشته است.

از آنجا که خود راوی در زندان اسرائیلی در اسارت است مکان موجود بر زبان راوی و بر شعور و اندیشه او سیطره یافته و باعث زایش رمان‌هایی می‌شود که وضعیت کلی مکان را شبیه‌سازی می‌کند. از این رو اندیشه‌های فلسطینیان در داخل زندان‌های صهیونیسم به وضوح بر زبان راوی بازتاب دارد: «هم جسد واحد علی السجن الذی یقتنص کل الفرصة لینقض علیهم فصنعوا بوحدهم جدار العز و ملاحم البطولة...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۶۷).

(آنها در برابر زندانبان‌ها یک کالبد هستند که از هر فرصتی برای حمله به آنها استفاده می‌کنند و با وحدت خود، دیوار عظمت و حماسه قهرمانی ساختند...).

با وحدت خود، رفتارهای قهرمانانه را در مکان‌های بسته به تصویر می‌کشند. گویا زبان راوی متأثر این حدیث شریف نبی اکرم (ص) است که فرمودند: «مِثْلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مِثْلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضُوٌّ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى» (النیشابوری، ۱۹۹۹: ۸۷). (مؤمنان در دوستی، مهربانی و همکاری با یکدیگر، مانند پیکری هستند که اگر یک عضو آن به درد آید، سایر اعضا با بی‌خوابی و تب با آن هم‌نوا می‌شوند).

رأفت حمدونه در توصیف خود، به وحدت، پابرجایی، مقاومت و مجاهدت اشاره می‌کند.

۲.۳. دیالکتیک مکان و خود و اثر آن بر زبان رمان‌الشتات

«زبان به منزله ابزار و مصالح ادبیات، توانمندی و ظرفیت‌هایی دارد که به خلق آثار ادبی می‌افزاید بخشی از نوآوری از سوی نویسنده به میزان آگاهی و توان به کارگیری وی از توانمندی‌های زبان است» (حسن پورآلشتی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). زبان تبعیدگاه، زبان پدیدار آن است که در تعامل با پیرامون، مکان و ابعاد وجودی شکل گرفته است و در واقع، زبان حقیقت است (یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۷). زبان در رمان‌الشتات که وضعیت اسیران در زندان، حوادث و مکان‌های اسارت را توصیف می‌کند به نوعی کشمکش مضامین ریتم، احساس و هدف را به دنبال دارد که به دو شیوه بیان می‌شود:

۳.۲. ۱. مستند روایی

بیشتر رمان‌های اسیران، بر اساس محتوای حادثه و رویداد مستند هستند و محدودیت‌های مکانی و چارچوب‌های زمانی دارند که وقایع زندگی و داستان‌های قهرمانانه را به صورت مستقیم بیان می‌کنند (شوقی، ۲۰۱۷: ۱۰۰). به عنوان مثال در رمان‌الشتات این‌گونه ترسیم می‌شود:

«خرجت قوات العدر الجبانه فجأة واعترضت طريقهم وبلارحمة أطلقت النار العشوائية على السيارة، فاحتضنت الأم ابنها المريض خوفاً عليه، أوقف إبراهيم السيارة وتناول سلاحه وأطلق النار حتى استشهد في تلك اللحظات، فتح نصر باب السيارة لزوجته...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۱۲).

(ناگهان نیروهای خائن ترسو خارج شدند، در مسیر با آنها روبرو شدند و بی‌رحمانه بر ماشین، شلیک‌های بی‌هدف کردند. مادر، پسر مریضش را [به خاطر ترس از کشته شدنش] در آغوش گرفت، ابراهیم، ماشین را ایستاند اسلحه برداشت و شلیک کرد تا اینکه در همان لحظات شهید شد سپس نصر درب ماشین را برای همسرش، باز کرد...).

این نمونه‌ای از زبان رمان مستند است که به طور دقیق، جزئیات حادثه (شلیک کردن، آغوش

گرفتن، ایستادن ماشین و در نهایت درگیری و شهید شدن) را به صورت واقعی در مکان خاص (مسیر راه) و مستند ترسیم می‌کند. این گونه مستندگویی جزئیات مکان‌هایی که حوادث در آن اتفاق افتاده است اثر مکان بر زبان رمان را مشخص می‌کند.

۳.۲.۲. شعر روایی

زبان رمان در پرتو سبک رمان شاعرانه، تغییراتی ایجاد می‌کند که زبان را به صورت زیبا، ظریف و منظم ترسیم می‌نماید. راوی، رمان را با آرایه‌های شعری شاخ و برگ می‌دهد و آن را تأثیرگذارتر می‌نماید. توصیف و تصویر دقیقی از وقایع و حوادث مکانی دارد (الجاشه، ۲۰۱۰: ۱۰۴). به عنوان مثال در رمان الشتات ابن گونه ترسیم می‌شود:

«أنت يا بنی أنت روحی التي أحيا بها و مهجة قلبی و كل سعادتی...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۱۶).

(ای پسر، تو جانمی که به واسطه آن زنده‌ام و شادی دل و تمام خوشبختیم هستی..)

و همچنین: «هذه المدينة التاريخية الساحرة بجمالها، الطيبة بأهلها والزاهرة بأحداثها...» (همان: ۱۸).

(این شهر تاریخی، زیبای‌اش مسحورکننده و برای اهلس نیکو و سرشار از رویداد است).

این گونه ریتم و استفاده از جناس، زبان روایی شاعرانه را نشان می‌دهد که مبتنی بر تغییر الگوی نثر به سبک شاعرانه است و دارای موسیقی و سازگاری کلمات است. این خلاقیت روایی زیبا، بر اساس احساسی است که آن مکان را با عبارتی جذاب به نمایش می‌گذارد و این گونه حالت عاطفی بر خواننده تأثیر می‌گذارد تا در آن سرزمین به سمت مسیر رهایی و آزادی بشتابد.

۳.۲.۳. زبان گفتگو

گفتگو، کلامی است که میان دو نفر یا بیشتر صورت می‌گیرد و یا آزادانه در اندیشه یک شخصیت در اثر ادبی، خطور می‌کند (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۴۶۶).

زبان گفتگو در آشکار کردن خود و میزان آگاهی و تعلق به مکانی که در آن زندگی می‌کند بسیار مهم است و میانجی بین مونولوگ و زبان روایی است (مرتاض، ۱۹۹۸: ۱۱۶). در رمان الشتات، زبان گفتگو، این گونه ترسیم می‌شود:

«ولكن محمد كان يقول لنفسه ومشاعره... ولا يريد أن يضيع أوقانه واهتمامه وتفكيره في أي شيء غير التعليم وفاءً لأخيه الذي ضحى بنفسه...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۳۷).

(محمد به خود و احساساتش می‌گفت نمی‌خواهد وقت، توجه و اندیشه اش را به غیر از کسب علم، تباه کند این به خاطر وفا به برادرش بود که خودش را وقف زندگی کرده بود).

بعد از اینکه محمد برادر ناتنی رفیق با انتصار در دانشگاه آشنا و علاقه‌مند شد پیوسته بر نفس و احساسش غلبه می‌کرد تمام تمرکزش را برای کسب علم قرار می‌داد. مکان بیرونی که اردوگاه فلسطینیان بود بر مونولوگ داخلی محمد، تأثیر گذاشته بود؛ چراکه به خاطر دفاع از وطن و حفظ استقلال، مهاجرت کردند لذا تصمیم گرفت که با پیشبرد علم خود، بتواند به صورت مطلوب به وطن، مقاومت و آزادی، خدمت کند. در جای دیگر رمان، زبان گفتگو، این گونه ترسیم می‌شود:

«ردد رفیق فی نفسه : المجد لنا والمجدل لنا وحتماً سنعود بوعده... وهذا السجن سندمّره ونحوّله لحدائق...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۷۳).

(رفیق به خودش جواب می‌داد که عظمت و شرافت برای ما است. مجدل برای ما است و حتماً با وعده الهی به سرزمین خود برمی‌گردیم و این زندان را ویران خواهیم کرد و تبدیل به بستان و... می‌کنیم).
رفیق نوعی مونولوگ با خودش داشت سرزمین اجدادش (المجدل) بر مونولوگش تأثیر گذاشته بود و به ایشان، خوشبختی را نوید می‌داد:
«اشفاق رفیق فی سجنه... إلى خطيبته منال ويقول في نفسه لها: أليس من الأناية أن تنتظرنی کل سنين؟...»
(همان: ۷۵).

(رفیق در زندان ... به همسرش مشتاق بود و با خودش خطاب به همسرش می‌گفت آیا این از روی خودخواهی نیست که سال‌ها در انتظار من باشی؟).

مونولوگ رفیق، متأثر از زندان و یا سرزمینی بود که به خاطرش زندانی شد. در زندان به خاطر تنهایی، گفتگویش با محبوب جز مونولوگ نیست. گویا با خود می‌گفت حرکت و سپری نمودن مسیر برای استقلال وطن آن قدر مهم است که حتی سال‌ها از محبوبش، دور است. در بخش دیالوگ (گفتگوی بیرونی) رمان الشتات، موارد بسیاری یافت می‌شود که بین دو شخص، گفتگویی ردو بدل می‌شود و مکان بر گفتگو تأثیر می‌گذارد:

«قال رفیق: اسمی رفیق نصر عسقلانی ... قالت انتصار إذن انت ابن شهيد نصر العسقلانی الذی قتل مع زوجته علی مفترق قرية وادی الجوز فی القدس - نعم أنا... أتعرف من أنا یا رفیق؟ نعم الطيبية انتصار قالت انتصار ماذا؟ آسف لا أعرف - أنا أختك ابنة شهيد نصر العسقلانی یا رفیق... و أنت أخی و أبی ترک أمی و هی حامل بی لیجاهد المحتل فی فلسطين» (همان: ۸۵-۸۶).

(رفیق گفت: اسمم رفیق نصر عسقلانی است... انتصار گفت: تو پسر شهید نصر عسقلانی هستی که با همسرش بر سر چهارراه روستای وادی جوز در قدس کشته شد - بله من هستم... انتصار گفت: آیا می‌دانی من چه کسی هستم یا رفیق؟ بله خانم پزشک، انتصار. گفت: چی؟ رفیق گفت متأسفم نمی‌شناسم - انتصار گفت من خواهرت هستم دختر شهید نصر عسقلانی، ای رفیق... تو برادرم هستی. پدرم، مادرم را در حالی که مرا باردار بود ترک کرد تا برای اشغال فلسطین، جهاد کند).

زمانی که رفیق به سفارش برادر، برای بهبودی بعد از اسارت، به نزد دکتر انتصار در بیمارستان می‌رود. بین آنها دیالوگی صورت می‌گیرد و مشخص می‌شود که خانم پزشک انتصار، خواهرش بوده هنگامی که پدرش برای جهاد از مادرش جدا می‌شود او را باردار بوده است تا اینکه پدرشان شهید می‌شود. مکان‌هایی که در دیالوگ بین آن دو ردوبدل می‌شود بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد گویا آن مکان‌ها مثل چهارراه روستا، قدس و... حقیقتی را بر ملا می‌کند که آن گفتگو زیباترین صحنه زندگی آن دو می‌شود. آن مکان‌ها مثل قدس آن قدر برای آن دو نفر مهم می‌شود و ارزش دارد که به خاطر آن پدرشان شهید می‌شود و این جدایی را به وجود می‌آورد.

۳.۲.۴. زبان توصیف

زبان توصیف، زبانی است که تأثیر دنیا بر حواس، اوضاع، اعمال، رفتار، کیفیت اشیاء و اشخاص را نمایان می‌کند. هدف آن هم، القای تصویر و تجسیم است (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷۲).

زبان توصیف، دو گونه است: زبان تصنیفی؛ جزئیات را در اختیار خواننده قرار می‌دهد و هنگام القای تصویر، به تشبیه متکی است تا تصویر را به درک محسوس خواننده منتقل کند. زبان تعبیری: موصوف را با آمیزشی از احساسات شخصی تعبیر می‌کند (الفیصل، ۲۰۰۳: ۱۱۹). توصیف در رمان الشتات، نقش اساسی دارد و به آنها تأثیر و انسجام می‌بخشد. رأفت حمدونه در توصیف صحنه، موقعیت، شخصیت و روحیه‌های قهرمانان داستان‌هایش، توانایی قابل ملاحظه‌ای دارد. این توانایی ارزش هنری آثارش را چند برابر می‌کند. رأفت حمدونه، با مهارتی کم‌نظیر به توصیف مکان و موقعیت داستان می‌پردازد:

«بدأ رفیق یصارع الحیاة بكلّ قسوتها، وتارة تصرعه وأخرى یصرعها...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۲۱).

(رفیق با زندگی و تمام قساوتش، گلاویز می‌شود (کشتی می‌گیرد) گاهی آن را به زمین می‌زند و گاهی هم زندگی، او را به زمین می‌زند...).

رفیق در بحیوۀ زندگی، زمانی که والدینش به شهادت رسیدند یتیم شد و برای استقلال وطنش، مجاهدت‌های زیادی داشت. ترک وطن کرد. برای ارتزاق و معیشت با زندگی، دست و پنجه نرم نمود. راوی با توصیفی زیبا، صحنه زندگی رفیق را به صحنه مبارزه در کشتی ترسیم می‌کند.

راوی در جای دیگر رمان می‌گوید: «المجدل فی نظره قطعة من الجنة» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۷۲).

(سرزمین مجدل در نظرش قطعه‌ای از بهشت است).

رفیق در زندان اسرائیل، به یاد سرزمین اجدادش (المجدل) می‌افتد سرزمینی که برای آزادی آن مبارزه می‌کند، آن سرزمینی که زیباست و آن را به قطعه‌ای از بهشت توصیف می‌کند. همچنین در جای دیگر، این‌گونه زیبا توصیف می‌کند: «اطمئنی یا منال، فانت قدری وتاج رأسی ولن یوازیک فی الکوون مخلوقه...» (همان: ۸۴).

(ای منال مطمئن باش تو برایم با ارزش هستی تو، تاج سرم هستی و در دنیا هیچ مخلوقی به مانند تو نیست...).

رفیق احساسات شخصی خود را به زبان توصیفی ترسیم می‌کند. جهاد خود را با عشق پیوند می‌زند. در رمان الشتات، راوی، آشنایی کامل با آن مکان‌ها و توصیف آن دارد و توانسته با توصیفی هنرمندانه، فضای واقعی را برای خوانندگان ترسیم کند. مکان با خود در رمان، پیوسته در حال دیالکتیک است. با توجه به فضای باز زندان، درگیری و تعارض، این دیالکتیک بر زبان روای و زبان رمان تأثیرگذار است و باعث شده نه تنها زایش ذهن راوی، متأثر از مکان باشد بلکه زبان رمان، متشکل از زبان گفتگو، زبان شعری و زبان توصیف هم تحت تأثیر قرار گیرد.

۳.۳. دیالکتیک مکان و خود و اثر آن بر زمان رمان الشتات

مؤلفه زمان از جمله موضوعاتی است که در پرداخت نهایی در قالب متن، نقش مهمی دارد (زکریا القاضی، ۲۰۰۹: ۱۰۶). شکل‌گیری رمان بدون زمان غیرممکن است. چراکه کنش رمان بر عنصر زمان مبتنی است (حسن القصراوی، ۲۰۰۴: ۳۷). زمان در رمان به دو شکل است.

۳.۳.۱. زمان خارجی: زمانی که با زمان نویسنده مرتبط است. زمان نگارش، زمان تاریخی و زمان

بررسی و چاپ در رمان الشتات زمان نویسنده و زمان نگارش سال ۲۰۰۴ در زندان اسرائیل است این رمان در تاریخی نگارش یافت که درگیری و مبارزه فلسطینی‌ها علیه اسرائیلی در جریان بود و در سال ۲۰۱۵ چاپ شد.

۲.۳.۳. زمان داخلی: دوره‌ای که حوادث رمان در آن اتفاق می‌افتد و مرتبط با شخصیت‌هاست که از آغاز تا پایان رمان، در جریان هستند به قول برخی از صاحب‌نظران، «آغاز داستان، تأثیری بر خواننده می‌گذارد که فرایند خواندن او را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این تأثیر را تأثیر اولیه می‌نامند» (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۴۱). آغاز رمان، شالوده داستان را پی‌ریزی می‌کند یعنی زمان، مکان و شخصیت را معرفی می‌کند و سیر حرکت داستان را مشخص و اشاره به مضمون اصلی داستان دارد (صرفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵).

در رمان الشتات، شروع زمانی رمان، این‌گونه است: «كان نصر يذرف الدمع كلما نظر لخارطة الوطن، ويحلم كما كل الناس بالحرية والسيادة والاستقلال، يعشق القدس التي ولد بها فيتذكر لحظات الطفولة وقبة الصخرة وأسوار القدس الشامخة الصامدة...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۷). (نصر هر زمان که به نقشه وطن نگاه می‌کرد اشک می‌ریخت و به مانند همه مردم، آرزوی آزادی، حاکمیت و استقلال داشت، به قدسی که در آنجا متولد شده بود، عشق می‌ورزید. لحظه‌های کودکی، قبه صحرا و دیوارهای بلند قدس را به یاد می‌آورد....).

در آغاز رمان، مکان بر شخصیت (خود) داستان تأثیر می‌گذارد. به وطنش، شور و اشتیاق دارد. از عدم آزادی و حاکمیت وطنش، ناراحت است و او را برای حرکت به آزادی وطن و مبارزه با دشمن آماده می‌کند. در رمان الشتات، حوادث، سیری پیش رونده دارند و نظم زمانی میان رویدادها وجود دارد اما گاهی این نظم زمانی، به هم می‌خورد و بخش‌هایی از زمان، دچار زمان پربیشی می‌شود. زمان پربیشی گذشته‌نگر^(۱) که از همان ابتدای رمان شروع می‌شود آن‌جا که نصر به نقشه وطنش نگاه می‌کند زمان کودکی را یادآوری می‌کند و مکان‌های آن زمان را به تصویر می‌کشد یعنی در همان آغاز، سیر حوادث، متوقف می‌شود این گذشته‌نگری در حد یک یادآوری ذهنی است که توسط شخصیت اصلی داستان (نصر) صورت می‌گیرد؛ اما زمانی که به پیشنهاد مادرش، مهاجرت می‌کنند و در غربت به دور از وطن زندگی می‌کنند. نظم خطی زمانی شروع می‌شود تا زمانی که با لطیفه آشنا می‌شود و رویدادی را پیش‌بینی می‌کند که قرار است در آینده رخ دهد و زمان پربیشی آینده‌نگر^(۲) دیده می‌شود:

«سالتحق بالمقاومة وأعود للوطن يا لطيفة...» (همان: ۸).

(ای لطیفه، به مقاومت خواهم پیوست و به وطن بازمی‌گردم).

زمانی که نصر به همسرش این‌گونه گفت که یکی را انتخاب کند بماند و یا با ایشان باشد، اشاره به رویدادی در آینده دارد، مکان و ذات بر زمان جلوه‌گری می‌کند یعنی وطن و اندیشه رسیدن به آن از طریق مقاومت در آینده نزدیک را تداعی می‌کند.

سیر زمانی رمان ادامه پیدا می‌کند و نصر بعد از ترک مادر و همسرش به وطن بازمی‌گردد و برای دفاع از وطن به صف مبارزان می‌پیوندد تا اینکه راوی در رمان به رویدادی اشاره می‌کند که پیش از موعد مقرر است و نوعی زمان‌پریشی آینده‌نگر، رخ می‌دهد:

«وقال لأخيه: إذا كنت تحب أمك فعليك بتحقيق حلمها لتعالجها...» (همان: ۱۲).

(رفیق به برادرش گفت: اگر مادرت را دوست داری باید به رؤیاهایش بپردازی یعنی درمانش کنی...).

راوی به اتفاق خوشایندی در آینده اشاره می‌کند. در آن جا، بهترین رفتار که در حق فداکاری مادر در اندیشه‌اش خطور می‌کند را در رمان اشاره نموده است.

بعد از آن در متن، رویدادها به ترتیب زمانی، بیان می‌شود یعنی زمانی که نصر با ابراهیم آشنا می‌شود و به علت بیماری پسرش، به سمت بیمارستان می‌رود تا اینکه مورد هجوم نیروهای اسرائیلی قرار می‌گیرند و شهید می‌شوند و رفیق پسر نصر به همسر ابراهیم (حاجیه محبوبه) سپرده می‌شود تا اینکه بزرگ می‌شود و زندگی خود را ادامه می‌دهد اما ناگهان، سیر رویدادها به سمت جلو، باز می‌ایستد و حوادث دو دهه گذشته را بازآفرینی می‌کند:

«وقد استشهد أبوك وهو يدفع عنك وعن أمك خطر الموت ووقتها كانت أمك لا تأبه بنفسها لحمايتك حتى استشهدت وهي تضمك إلى صدرها وتحرسك بذراعها وتضحى بروحها حتى لا يطالك أذى...» (همان: ۱۷).

(پدرت در حالی که از تو و مادرت دفاع می‌کرد شهید شد. در همان لحظه هم، مادرت که جانش را برای حمایت تو به خطر انداخت و ترسی نداشت شهید شد این در حالی بود که او تو را در آغوش گرفته بود و دستاش را در مقابل تو قرار داده بود و روحش را فدا کرد که به تو آزار و صدمه‌ای نرسد...).

راوی در رمان، به ذکر رویدادی در گذشته می‌پردازد. مکان و ذات (خود) در زمان‌پریشی گذشته‌نگر تجلی می‌یابد و به رویدادی که در آن مکان در گذشته اتفاق افتاده، می‌پردازد یعنی شهادت پدر و مادر رفیق برای دفاع از ایشان در مقابل بیمارستان که به دلیل مبارزه پدرش برای وطن مورد تعقیب نیروهای اسرائیلی قرار می‌گیرد. یادآوری این اتفاق، باعث شد که عزم رفیق، محکم‌تر و قوی‌تر و میزان مقاومت و ایمانش برای دفاع از وطن بیشتر شود.

رمان، سیر گاه‌شمارانه خود را به صورت مرتب، ادامه می‌دهد تا اینکه به بخش پایانی می‌رسد و حرکت رویدادها از خط اصلی خود فاصله می‌گیرد و در خط آینده سیر می‌کند:

«ولكن لا تنسوا يا أخوان أن هذا الاتفاق سيثبت حق الشعب الفلسطيني في أرضه وسيعيد الثورة من الشتات إلى الوطن وسيكون بوابة للسيادة والدولة والاستقلال وسيعود عشرات الآلاف من اللاجئين وسيتم الإفراج بموجبه عن آلاف المعتقلين وسنبني مدن فلسطين ونقيم المؤسسات والمطار والعمارة...» (همان: ۸۶).

(ای برادران، فراموش نکنید که این قرارداد [اسلو] حق مردم فلسطین را برای سرزمین‌شان اثبات خواهد کرد، انقلاب را از الشتات به وطن می‌کشانند، این اتفاق، آستانه حاکمیت، دولت و استقلال است، ده‌ها هزار نفر از پناهندگان باز خواهند گشت و به موجب آن هزاران اسیر، آزاد خواهند شد، شهرهای فلسطین را می‌سازیم و مؤسسات، فرودگاه و آبادانی به پا می‌کنیم). راوی در رمان به اتفاقات آینده اشاره می‌کند اتفاقاتی که امیدبخش است. این بازتابی است که زندان و روحیه مقاومت (مکان و خود) بر امید به آینده درخشان، اثر می‌گذارد. عزم‌ها را جدی می‌کند و روحیه‌ها را برای استقلال و رسیدن به وطن تقویت می‌نماید. بعضی مواقع در رمان، زمان طبیعی است به عقب بر نمی‌گردد بلکه پیوسته به

سمت جلو حرکت می‌کند و برحسب موضوع به دو بخش تقسیم می‌شود زمان هستی و زمان تاریخی (سیزا، ۲۰۰۴: ۶۸). راوی در رمان الشتات، زمان هستی را این‌گونه ترسیم می‌کند: «کانت أعین الاحتلال تراقب لیل نهار بیت الحاجة التي قد تفکر مقابلة ابنها...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۵۶). (اشغالگران، شب و روز، خانه حاجیه محبوبه که به فکر دیدن پسرش بود زیر نظر داشتند). این نمونه‌ای از ظلم دشمن است که به طور پیوسته در آن مکان، بر زمان هستی (شب و روز) متجلی شده است.

زمان تاریخی در رمان این‌گونه ترسیم می‌شود:

«عاش رفیق مذبحه الأقصى المبارك فی أكتوبر ۱۹۹۰م والتي ذهب ضحيتها أكثر من عشرين شهيداً دفاعاً عن الأقصى والحرم والصخرة وجرح مئات فی المواجهات وأشتعلت علی إثرها کل فلسطين ناراً وغضباً...» (همان: ۳۸). (رفیق در اکتبر ۱۹۹۰ در قربانگاه الاقصی زندگی کرد جایی که بیست شهید برای دفاع از آن سرزمین مقدس، حرم و صخره، خودشان را فدا کردند صدها نفر مجروح شدند و در پی این رویداد غمناک، در دل فلسطینیان آتش غضب برافروخته شد...).

نمونه‌ای از ارتباط مکان و ذات بر زمان تاریخی متبلور است که خود بر کثرت حوادث خونین دلالت دارد که در آن مکان، اتفاق افتاده است. دیالکتیک مکان و خود در رمان الشتات بر عنصر زمان هم تأثیرگذار است از یک طرف هجرت از وطن و سرزمین اجدادی که پیوسته با نفس خود در جدال است که چرا زمانه، باعث شده به اجبار، از آنجا مهاجرت کنند با وجود اینکه خاطرات گذشته در آن مکان‌های زیبا به ویژه قدس را فراموش نمی‌کنند. از طرفی دیگر، امید به آینده‌ای روشن دارد که رهایی و آزادی و بازگشت به وطن به ارمغان می‌آورد.

۳.۴. دیالکتیک مکان و خود، و اثر آن بر شخصیت‌های رمان الشتات و بازتاب آن در خودآگاهی

از نظر حضور و تعامل روایی، شخصیت‌ها گوناگون هستند و هر کدام به طریقی، در رساندن رمان به آنچه در رسالت و اندیشه روایی مدنظر است سهم بسزایی دارند (بحراوی، ۱۹۹۰: ۲۱۵). شخصیت‌ها، شامل شخصیت‌های اصلی و ثانوی، شخصیت‌های ثابت و متغیر هستند که به نحوی مکان بر آنها و در خودآگاهی، نقش مؤثری دارند.

۳.۴.۱. مکان و شخصیت‌های اصلی و ثانوی

شخصیت اصلی رمان از آغاز تا پایان، تجارب خود را ارائه می‌دهد و خواننده را به طور کامل به خود جلب می‌کند چنانچه شخصیت اصلی درک شود رمان، نیکو فهمیده می‌شود (فریال، ۱۹۹۹: ۲۵). شخصیت ثانوی رمان ارتباط تنگاتنگی با شخصیت‌های رمان دارد و به عنوان چاشنی و حامی اندیشه رمان است و این شخصیت نسبت به شخصیت اصلی، حضورش ضعیف است (عزیز، ۱۹۹۸: ۲۲۸).

در رمان الشتات، شخصیت‌های اصلی، نصر و رفیق می‌باشند و شخصیت‌های ثانوی، ابراهیم، حاجیه محبوبه، محمد و انتصار هستند.

شخصیت اصلی در رمان الشتات، این‌گونه ترسیم می‌شود: «عاش نصر مع والدته فی غربة عن

الوطن و لکنه لم ینس المجدل بلد أیبه و لا القدس مسقط رأسه و ذکری طفولته ...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۸).
(نصر با مادرش به دور از وطن زندگی کرد ولی مجدل، سرزمین پدرش و قدس، محل ولادتش و یادگار کودکیش را فراموش نکرد...).

مکان بر شخصیت اصلی رمان الشتات یعنی نصر، تأثیر می‌گذارد و زمانی که از وطنش دور شد شور و شوق اشتیاق به وطن، بیشتر شد و همیشه با وجدان خودش درگیر بود که چگونه از آنجا دل بکند. شخصیت ثانوی در رمان الشتات، این‌گونه ترسیم می‌شود: «کان ابراهیم صدیق نصر و رفیق دربه فی المقاومة... أوقف السيارة وتناول سلاحه وأطلق النار حتى استشهد فی تلك اللحظات...» (همان: ۹).
(ابراهیم دوست نصر و رفیقش در مقاومت بود... ماشینش را متوقف کرد اسلحه‌اش را برداشت و شلیک کرد تا اینکه در آن لحظات، شهید شد...).

مکان بر شخصیت ثانوی داستان تأثیر گذاشته است آن‌جا در راه بیمارستان به مساعدت دوستش در برابر نیروهای اسرائیلی می‌شتابد ابتدا مقاومت می‌کند سپس جانش را در برابر آرمان‌ها و سوگندش، فدا می‌نماید.

۳. ۴. ۲. مکان و شخصیت ثابت و متغیر

شخصیت ثابت از آغاز رمان تا پایان آن بر خلاف شخصیت متغیر، تغییر نمی‌کند. شخصیت ثابت در رمان الشتات، این‌گونه است:

«كانت الحاجة المحبوبة امرأة ذكية... لم تفرق بينهما» (همان: ۱۷).

(حاجیه محبوبه زن باهوشی بود... بین آن دو نفر، تفاوتی قائل نبود).

از آغاز رمان تا پایان، شخصیت حاجیه محبوبه ثابت است و به عنوان یک مادر و دایه دلسوز قهرمان‌های داستان است. اندیشه باز پس گرفتن وطن، فلسطین و... استقلال سرزمین باعث شده بود که مجاهدانی تربیت کند که پیوسته در حال مبارزه با نیروهای غاصب اسرائیلی باشند.

شخصیت متغیر در رمان این‌گونه است: «أصبحت انتصار طبيبة ماهرة و ذات عقل و حكمة و انتماء للوطن... فلم تر فی نفسها أقلّ من الرجال فی خدمتهم لوطنهم...» (همان: ۸۵).

(انتصار پزشک ماهری شد و دارای عقل، حکمت و وطن‌پرست... خودش را کمتر از مردان برای خدمت به وطنش نمی‌دید...).

شخصیت انتصار در رمان از آغاز تا پایان به لحاظ فکری و رویکردی، متغیر است یعنی کودک، دانش‌آموز، دانشجوی پزشکی، پزشک، فعال مدنی و انقلابی... و نهایت تلاشش برای خدمت به وطن این بود که بتواند مبارزان فلسطینی را که مجروح شده بودند مداوا کند. مکان، باعث تحول او شده بود و از تخصصش برای خدمت به وطن و هموطنانش استفاده می‌کرد.

۳. ۴. ۳. مکان و رویکردهای شخصیت

بررسی رویکردهای شخصیت، روشی مهم در متقاعد کردن خواننده از شخصیت است و ارتباط تنگاتنگی با جریان حوادث و شخصیت دارد به همین خاطر باید توجه جدی به آن شود (غنیمی هلال، ۱۹۹۷: ۵۷۳).

۳. ۴. ۳. ۱. بازتاب مکان بر ابعاد فیزیکی شخصیت

ابعاد فیزیکی به جنس مذکر و مؤنث برمی‌گردد و در رمان الشتات، این‌گونه ترسیم می‌شود:

«عملت الحاجة اثنتی عشرة عاما فی حقل ابی سامی وفی مساء یوم شدید الحرارة شعرت بدوران وسقطت علی الارض...» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۱۷).

(حاجیه محبوبه دوازده سال در مزرعه ابوسامی کار کرد و در عصر روز بسیار گرمی، سرش گیج رفت و بر زمین افتاد...).

نمونه‌ای از رویکرد جسمی در رمان الشتات است برای اینکه بتواند معیشت زندگی را برآورده کند دین خود را در قبال فرزندان، شوهر شهید و دوست شوهر شهیدش ادا کند مجبور می‌شد که به شدت کار کند اما به دلیل ضعف جسمی، مریض شد و آن مکان بر جسم او تأثیر گذاشته بود.

۲.۳.۴.۳. بازتاب مکان بر جنبه اجتماعی شخصیت

جنبه اجتماعی در رمان الشتات این گونه ترسیم می‌شود: «ذهب رفیق إلى عشرات المحلات والمصانع باحثاً عن عمل دون جدوی... صنع رفیق حاملاً صغیراً واشتری میزانا وأکیاسا...» (همان: ۲۷). (رفیق به ده‌ها مغازه و کارخانه جات به دنبال کار رفت اما فایده‌ای نداشت... و باربری کوچکی ساخت ترازو و کیسه‌هایی خرید...).

جنبه اجتماعی در این نمونه از رمان الشتات، بیانگر دشواری زندگی و معیشت در آن مکان است که بازتاب مثبت و منفی بر شخصیت او دارد. بازتاب مثبت: باعث استقامت، پختگی، تلاش برای کسب روزی، بالا رفتن توان و آگاهی ایشان در برابر سختی‌ها و رویدادها است. بازتاب منفی: نفسش با این گونه کارها تحقیر می‌شد و مجبور بود برای کسب روزی، به هر انسانی، خواهش و اصرار کند. این چنین، مکان بر رویکرد اجتماعی شخصیت رفیق، تأثیر می‌گذارد.

۳.۳.۴.۳. بازتاب روانی مکان بر شخصیت

بازتاب روانی مکان بر شخصیت، روان‌شناسی محیطی است که رابطه متقابل بین فرد و مکان فیزیکی وی است که جزء ارزش‌های کلی در رمان است چراکه هویت مکان به مانند آینه، بازتابی از حالات روحی ساکنان دارد (کاظم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷). در رمان الشتات بازتاب روانی مکان بر شخصیت، این گونه ترسیم می‌شود:

«لم یکن کریمه بماله فقط، بل أيضاً بمبادرته وسلوکه وحسن تصرفه وحکمه فکثیراً ما تدخل فی القرية بین المتخاصمین وحل المشکلة بینهما لاحترام کبار القرية له» (حمدونه، ۲۰۱۵: ۵۱).

(فقط در سرمایه و مالش بخشنده نیست بلکه همچنین رفتار، اخلاق و حکمتش هم نیکوست. بسا در روستا به خاطر احترامی که بزرگان روستا به او می‌گذارند بین طرف دعوا می‌ایستد میانجی‌گری می‌کند و مشکل را حل می‌کند).

بازتاب روانی در شخصیت ایشان، بارز است ایشان دارای اخلاق و تعاملی نیکوست و بر مکان و شخصیت‌های ساکن در آن مکان تأثیر می‌گذارد که این منش روانی پسندیده، بازتابی از میزان آگاهی و بصیرت اوست که مکان و ساکنین متأثر از او هستند.

در رمان الشتات، شخصیت‌های اصلی و ثانوی، شخصیت‌های ثابت و متغیر وجود دارند که دارای رویکرد فیزیکی، اجتماعی و روانی می‌باشند و به نحوی این شخصیت‌ها متأثر از دیالکتیک

مکان و خود هستند به این صورت که مکان‌هایی که در رمان وجود دارد، زندان، روستا، بیمارستان، دانشگاه، خانه، بازار، مزرعه کشاورزی و... بر این شخصیت‌ها تأثیر گذاشته است خودآگاهی آنها را تقویت می‌کند و در نهایت همه این مکان‌ها، بر رویکرد فیزیکی، اجتماعی و روانی این شخصیت‌ها جهت مشخص شدن نقشه راه که رهایی و مقاومت است تأثیر گذاشته است.

۴. نتیجه

عنصر مکان با ابعاد هنری آن در ساختار رمان الشتات ارتباط تنگاتنگی با خود دارد از آنجا که فضای رمان، فضای بسته و فضای باز است عرصه تعارض، درگیری و دیالکتیک با خود، قرار می‌گیرد که باعث ایجاد خلاقیت در نگارش شده است.

در رمان الشتات، مکانی که رویدادها و شخصیت‌ها در آن در جریان‌اند پیوسته با خود، دیالکتیک دارد و بر زبان راوی و زبان رمان تأثیر می‌گذارد. آن مکان (اسرائیل و زندان اسرائیلی) کلمات عبری به مانند «برش» به معنای تخت (سریر) را بر زبان جاری می‌کند این‌گونه که زبان راوی در کشمکش دائمی بین بودن یا نبودن است و این فرآیند نه از نظر فرهنگ و دانش، بلکه از نظر انحراف و محو شدن یکی از خطرناک‌ترین فرآیندهای تأثیرگذاری است همان‌طور که اشغالگری صهیونیست‌ها به طور عمد، نام شهرها، روستاها و به طور کلی مکان‌ها را تغییر می‌دهد در این صورت به جای کلمات عربی، کلمات عبری را هدف قرار می‌دهند که بر زبان راوی اسیر، جاری شود. اما راوی اسیر، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سعی می‌کند در رمان الشتات خیلی اندک، واژه عبری را در زبان عربی داخل کند.

بر زبان راوی، رویدادها به علت واقعی بودن به صورت مستند- جزء به جزء- بیان می‌شود و لباس نظم و آهنگین را بر آن می‌پوشاند. خواننده را تحت تأثیر قرار دهد و نوعی با زبان مونولوگ و دیالوگ، توصیفی هنرمندانه در فضای واقعی برای خوانندگان دارد.

دیالکتیک مکان و خود و اثر آن بر زمان از نقطه آغازین یعنی شالوده رمان الشتات، جایی که با نگاه به نقشه، عشق به وطنش شروع می‌شود تا نقطه پایانی رمان، جایی که از زندان، آزاد می‌شود محمد با انتصار ازدواج می‌کند و همگی در یک خانه به مانند گذشته در کنار هم زندگی می‌کنند. زمان پریشی آینده‌نگر و زمان پریشی گذشته‌نگر هم در رمان وجود دارد که همگی تحت تأثیر دیالکتیک آن مکان- زندان، فلسطین- و رهایی خویشتن و آزادی قرار می‌گیرد.

مکان در رمان الشتات بر خودآگاهی شخصیت‌ها- اصلی و ثانوی، ثابت و متغیر- در دیالکتیک آن با خود تأثیر گذاشته است از یک طرف شخصیت‌های اصلی به مانند نصر، همیشه با خودش درگیر است که چگونه به وطنش بازگردد و شخصیت‌های ثانوی به مانند ابراهیم، دوست نصر، جان خودش را برای آرمانش که همان مقاومت و بازگشت به وطن است فدا می‌کند. از طرف دیگر شخصیت‌های ثابت به مانند حاجیه محبوبه، پیوسته مجاهدانی تربیت می‌کند که برای رسیدن به وطن، مقاومت و جانفشانی می‌کنند و شخصیت‌های متغیر به مانند انتصار از کودکی و

دانش آموزی تا بزرگسالی و پزشکی برای خدمت به وطن و مبارزان مقاومت در تلاش است. همچنین در رمان، این شخصیت‌ها دارای رویکرد فیزیکی، اجتماعی و روانی متأثر از مکانی قرار گرفتند که حس نوع‌دوستی، ایمان‌شان را تقویت می‌کند و نفس آنها را برای رسیدن به آرمان‌های مقدس، تهذیب می‌کند. در این رمان، مکان به یک اهمیت ایدئولوژیک و فکری تبدیل شده است، زیرا مکان، امتداد هویت و وابستگی انسانی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رویدادهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند؛ اما در متن به شکل بازگشت به گذشته زمان می‌شوند (بیات، ۱۳۹۷: ۶۸).
۲. راوی، گاهی به وقایع بعدی که به زمان حال خود آن رمان‌نویس نزدیک‌تر است، جهشی داشته باشد (تولن، ۱۳۸۶: ۸۶).

منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، *دستور زبان داستان*، اصفهان، نشر فردا.
- اکبری، مریم و محمد خاقانی (۲۰۱۲)، «دلالة المكان فی رواية موسم الهجرة إلى الشمال»، *إضاءات النقدية*، العدد السابع، ۹-۲۹.
- بحراوی، حسن (۱۹۹۰)، *بنية الشكل الروائي: الفضاء، الزمان، الشخصية*، بيروت، الدار البيضاء.
- براده، محمد (۲۰۱۱)، *الرواية العربية ورهان التجديد*، دبي، دار الصدى للصحافة والنشر والتوزيع.
- برنس، جیرالد (۲۰۰۳)، *المصطلح السردی*، (ترجمة: عابد خزندار)، القاهرة، المجلس الاعلی للثقافة، المشروع القومي للترجمة.
- بوعزه، محمد (۲۰۱۰)، *تحليل النص السردی*، الرباط، دار الأمان للنشر والتوزيع.
- بیات، حسین و عاطفه زندی (۱۳۹۷)، «بررسی زمان روایت در خاطره نگاشت [دا] بر اساس نظریه ژرار ژنت»، *نشریه ادبیات دفاع مقدس*، شماره ۳، ۶۵-۷۶.
- تاورته، محمد العید (۲۰۰۴)، «تقنيات اللغة فی مجال الرواية الأدبية»، *مجلة العلوم الإنسانية*، الجزائر، جامعة منتوری، عدد ۲۱، ۵۱-۶۲.
- تولن، مایکل (۱۳۸۶)، *روایت شناسی: درآمدی زبان‌شناختی انتقادی*، ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران، انتشارات سمت.
- الحباشة، صابر (۲۰۱۰)، *غواية الرواية: قراءات فی الرواية العربية*، دمشق، دار نینوی للدراسات والنشر والتوزيع.
- حسن پور آشتی، حسین (۱۳۸۶)، «ویژگی‌های زبان روایت در سه اثر از محمود دولت‌آبادی»، *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، بهار و تابستان، شماره ۱۴، ۱۳۹-۱۶۰.
- حسن القصرای، مها (۲۰۰۴)، *الزمن فی رواية العربية*، بیروت، مؤسسة الابحاث العربية.
- حمدونه، رأفت خلیل (۲۰۱۵)، *رواية الشتات: الحب، المقاومة، السجن والحريّة*، فلسطين، مؤسسة مهجة القدس.
- خلیل، ابراهیم (۲۰۱۰)، *مدخل إلى علم اللغة*، عمان، دارالمسيرة للنشر والتوزيع.
- زکریا القاضی، عبدالمنعم (۲۰۰۹)، *البنية السردية فی الرواية*، الكويت، عين الدراسات والبحوث الإنسانية والاجتماعية.
- سیزا، قاسم (۲۰۰۴)، *بناء الرواية دراسة مقارنة فی ثلاثية نجيب محفوظ*، مصر، مكتبة الأسرة.
- سیف، عبدالرحمن (۲۰۱۸)، *تطوير الذات*، عمان، دارالمعتز للطباعة والنشر.
- شوقی، بدریوسف (۲۰۱۷)، *غواية الرواية: دراسات فی الرواية العربية*، مصر، وكالة الصحافة العربية.
- صرفی، محمدرضا و نجمه حسینی (۱۳۸۸)، «شیوه‌های آغاز و پایان در داستان هزار و یک‌شب»، *پژوهشنامه ادبیات زبان و ادبیات فارسی*، شماره اول، ۳۱-۵۴.

- عبدی، صلاح‌الدین و همکاران (۱۳۹۳)، «بازتاب عنصر مکان در ادبیات زندان؛ مطالعه مورد پژوهانه ورق‌پاره‌های زندان بزرگ علوی و بومیات الواحات صنع الله ابراهیم»، کرمانشاه، دانشگاه رازی، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، تابستان، شماره ۱۴، ۲۵-۴۳.
- عبله ثابت، سهام ابوالعمرین (۲۰۱۵)، «دلالة المكان في رواية الأسر الفلسطيني رواية سائر العتمة وفرسان الحرية أنموذجاً» *مجلة جامعة الأزهر، سلسلة العلوم الانسانية*، العدد السابع عشر، ۳۴-۴۹.
- عزيز، يوثيل (۱۹۹۸)، *علم اللغة العام*، بغداد، دارآفاق العربية.
- غنيمي هلال، محمد (۱۹۹۷)، *التقدي الادبي الحديث*، القاهرة، دارالنهضة للطباعة والنشر والتوزيع.
- فريال، سماحه (۱۹۹۹)، *رسم شخصيات في روايات حنا مينة*، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- الفيصل، سمر روى (۲۰۰۳)، *الرواية العربية البناء والرؤية: مقاربات نقدية*، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب.
- كاظم‌زاده، نسرین و همکاران (۱۳۹۸)، «تبیین الگوی تحلیل روان‌شناختی مکان داستانی»، تهران، *فصلنامه نقد ادبی*، شماره ۴۵، ۸۵-۱۰۹.
- لحمدانی، حمید (۱۹۹۱)، *بنية النصّ السردي: من منظور النقد الادبي*، بيروت، الدار البيضاء.
- مراض، عبدالکریم (۱۹۹۸)، *في النظرية الرواية*، كويت، منشورات عالم المعرفة.
- ملاابراهیمی، عزت (۱۳۹۰) «ملامح الشعر الفلسطيني المعاصر بعد الاحتلال»، تهران، *فصلنامه ادب عربی*، سال ۲، شماره ۲، ۱۱۹-۱۳۶.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۸)، *عناصر داستان*، تهران، انتشارات سخن.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران، انتشارات کتاب مهناز.
- النتشه، جميلة عماد (۲۰۱۶): «دلالات المكان في رمان سجن السجين لعصمت منصور»، عمان، *مجلة الجامعة الاسلامية للبحوث الانسانية*، العدد الرابع والعشرون، ۶۹-۸۸.
- النیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۹۹)، *صحيح مسلم: كتاب البر والصلة و الآداب*، تحقيق: محمد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- يعقوبی، محمد و رسول زارع (۱۴۰۰)، «رابطه زبان و واقعیت در تحلیل مفهوم تبعیدگاه در زبان شعری عزالدین المناصره»، تهران، *فصلنامه ادب عربی*، سال ۱۳، شماره ۱، ۱۵۵-۱۷۵.

Sources

- Abdi, S. and C. (2013), "Reflection of the element of place in prison literature; A case study of fragments of Alavi prison's fragments and Sanallah Ebrahim's poems", Kermanshah, Razi University, *Comparative Literature Research*, Summer, No 14, 25-43. [In Persian]
- Abla Thabet, S. A.-O. (2015), "The significance of the place in the Palestinian families' novel, the two novels: Curtains of Darkness and the Knights of Freedom as a model." *Al-Azhar University Journal, Human Sciences Series*, No 17, 34-49. [In Arabic].
- Akbari, M. and Khaqani, M. (2012), "The significance of the place in the novel Season of Migration to the North," Iran, *Critical explanations*, No 7, 9-29.[In Persian].
- Al-Faisal, S. R. (2003), *The Arabic Novel, Construction and Vision: Critical Approaches*, Damascus, Writers Union Publications. [In Arabic].
- Al-Habasha, S. (2010), *The Seduction of the Novel: Readings in the Arabic Novel*, Damascus, Nineveh House for Studies, Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Al-Natsheh, J. I. (2016), "The Signs of Place in the Pomegranate Prison

- of the Prisoner of Ismat Mansour", Amman, *Journal of the Islamic University for Human Research*, No 24, 69-88.[In Arabic].
- Al-Nishaburi, Muslim bin Hajjaj. (1999), *Sahih Muslim: The Book of Righteousness, Relationship and Etiquette*, (Edited by: Muhammad Abdul Baqi), Beirut, Dar ehya Al-toras Alarabi.[In Arabic].
- Aziz, Y. (1998), *General Linguistics*, Baghdad, Dar Afaq al-Arabiya. [In Arabic].
- Bahrawi, H. (1990), *The Structure of the Narrative Form: Space, Time, and Personality*, Beirut, Dar Al-beyza.[In Arabic].
- Barada, M. (2011), *The Arabic novel and the challenge of renewal*, Dubai Dar Al-Sadi for press, publishing and distribution.[In Arabic].
- Bayat, H. and Z, A, (2017), "Investigation of narrative time in memory mapping [da] based on the theory of Gérard Genet", *Journal of Sacred Defense Literature*, No 3, 65-76.[In Persian].
- Bouazza, M. (2010), *Narrative Text Analysis*, Rabat, Dar Al-Aman for Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Ekhwat, A. (1992), *Story Grammar*, Isfahan, Farda Publication. [In Persian].
- Ferial, S. (1999), *Drawing Characters in Hanna Mina's Novels*, Beirut, The Arab Institute for Studies and Publishing. [In Arabic].
- Ghonimi Hilal, M. (1997), *Modern Literary Criticism*, Cairo, Dar Al-Nahda for printing, publishing and distribution. [In Arabic].
- Hamduna, R. K. (2015), *Al Shatat Novel: Love, Resistance, Prison and Freedom*, Palestine, Mohaja Al-Quds Institution. [In Arabic].
- Hassan Al-Qasrawi, M. (2004), *Time in the Arabic Novel*, Beirut, Arab Research Institute. [In Arabic].
- Hasanpour Alashti, H. (2007), "Characteristics of Narrative Language in Three Works of Ar Mahmoud Daulatabadi", *kavosh NmeH of Persian Language and Literature*, Spring and Summer, No 14, 139-160. [In Persian].
- Kazemzadeh, N. and C. (2018), "Explaining the model of psychological analysis of fictional place", Tehran, *Literary Review Quarterly*, No 45, 109-85. [In Persian].
- Khalil, I. (2010), *Introduction to Linguistics*, Amman, Dar Al-Masirah for Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Lahmdani, H.. (1991), *The Structure of the Narrative Text: From the Perspective of Literary Criticism*, Beirut, Dar Al -beyza. [In Arabic].
- Mirsadeghi, J.. (2009), *Story Elements*, Tehran, Sokhon Publications. [In Persian].
- Mirsadeghi, J, and Mirsadeghi, M.. (1998), *Dictionary of the Art of Storytelling*, Tehran, Mehnaz Book Publications.[In Persian].
- Mulla Ebrahimi, E.. (2013) "Features of contemporary Palestinian poetry after the occupation", Tehran, *Arabic Literature Quarterly*, No. 2, 119-136. [In Persian].
- Murtad, A.-K.. (1998), *On Novel Theory*, Kuwait, Knowledge World

- Publications.[In Arabic].
- Prince, G., (2003), *The Narrative Term*, (Translation: Abed Khazindar), Cairo, The Supreme Council of Culture, The National Project for Translation. [In Arabic].
- Sarfi, M. R., and Hosseini, N., (2008), "The ways of beginning and ending in the story of Hazaru Yak Shab", *Pazohesh Nameh of Persian Language and Literature*, No 1, 54-31. [In Persian].
- Seif, A. R., (2018), *Self-development*, Amman, Dar Al-Moataz for printing and publishing, [In Arabic].
- Shawky, B., (2017), *The Seduction of the Novel: Studies in the Arabic Novel*, Egypt The Arab Press Agency. [In Arabic].
- Siza, Q., (2004), *the construction of the novel, a comparative study in the trilogy of Naguib Mahfouz*, Egypt, Alosrat Library. [In Arabic].
- Tawerte, M. Al-Eid. (2004), "Language techniques in the field of literary fiction", *Journal of Human Sciences*, Algeria, University of Mentouri, No 21, 51-62. [In Arabic].
- Tolan, M.. (2006), *Narratology: An Introduction to Critical Linguistics*, (Translation: Fatemeh Alavi and Fatemeh Nemati), Tehran, Samt Publications. [In Persian].
- Yaqoubi, M., and Zare, R., (2021), "The relationship between language and reality in the analysis of the concept of exile in the poetic language of Ezza al-Din al-Manasara", Tehran, *Arabic Literature Quarterly*, No. 1, 155-175. [In Persian].
- Zakaria, Al-Q, A-M.. (2009), *the narrative structure in the novel*, Kuwait, Ayn- Alderasat and human and social research. [In Arabic].